

مالیات سبز در کشورهای توسعه یافته

دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی

مریم گرامی^۱

مه‌دی کرمی^۲

منبع اصلی انرژی که اقتصاد جهانی بر مبنای آن شکل گرفته است، سوخت‌های فسیلی است که علاوه بر محدود بودن این منابع، محیط‌زیست را نیز آلوده می‌سازد. استفاده از این منابع منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای و به تبع آن گرم شدن زمین و تخریب محیط‌زیست می‌گردد. از این رو، یافتن راهی جهت جلوگیری از گرم شدن زمین و حفظ محیط‌زیست بسیار مهم است. در این بین مالیات‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری مؤثر در کاهش تخریب محیط‌زیست مورد استفاده قرار گیرند. اقتصاددانی بنام پیگو برای نخستین بار استفاده از مالیات را برای مقابله با انتشار آلودگی پیشنهاد نمود. بر اساس نظریه پیگو افرادی که محیط‌زیست را آلوده می‌نمایند می‌بایست مقدار خسارتی را که در اثر انتشار آلودگی به محیط‌زیست وارد می‌نماید را جبران کند. مالیات پیگویی که در ادبیات محیط‌زیست به مالیات سبز معروف است، در کشورهای مختلف به صورت‌های متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف اصلی استفاده از این مالیات‌ها، کاهش استفاده از منابع فسیلی ناپایدار و روی آوردن به استفاده از منابع تجدیدپذیر انرژی و انرژی‌های پاک است. از دیگر اهداف این

* در گزارش حاضر از متن ذیل استفاده شده است:

<http://www.greentaxreport.co.uk/read-chapters-online/13-green-taxes-in-other-developed-countries>.

maryamgerami@yahoo.com

meh.karami@gmail.com

۱. رئیس گروه تحقیقات و سیاست‌های مالی و مالیاتی بین‌الملل.

۲. کارشناس گروه تحقیقات و سیاست‌های مالی مالیات و درآمدهای دولت.

مالیات‌ها می‌توان به کاهش تولید مواد آلاینده طبیعت همچون زباله‌ها و پساب‌ها اشاره نمود. در این گزارش تجربیات برخی از کشورها در استفاده از مالیات سبز و سایر روش‌های کاربردی جهت حفظ محیط‌زیست مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مالیات‌ها

وقتی مالیات‌ها به ویژه در برخی از دوره‌های اقتصادی بر محیط‌زیست اثرگذار باشند، دولت‌ها با دو مسئله مواجه می‌شوند. دولت‌ها از یک سو باید درآمدهای خود را افزایش دهند تا بتوانند هزینه‌های اقتصادی خود را تأمین کنند تا خللی در رشد اقتصادی ایجاد نشود و از سوی دیگر، می‌بایست به هدف کاهش انتشار آلودگی که در پروتکل کیوتو به انجام آن متعهد شده‌اند دست یابند. اگرچه مالیات‌ها می‌توانند با افزایش درآمد و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای امکان دستیابی به هر دو هدف را میسر نموده و برای دولت منفعت مضاعف ایجاد کنند با این حال مالیات‌ها اغلب به لحاظ سیاسی مقبولیت چندانی نداشته و نمی‌توانند دستیابی به هدف کاهش انتشار را تضمین کنند. اغلب دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته مالیات‌ها را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کنند که عبارتند از مالیات بر برق و انرژی، مالیات بر دفع زباله و مالیات بر حمل و نقل.

مالیات بر انرژی و برق

برخی از کشورهای جهان با هدف کاهش مصرف انرژی‌هایی که حجم بالایی کربن منتشر می‌نمایند بر مصرف انرژی و برق مالیات وضع کرده‌اند. از سوی دیگر، در برخی از کشورها مانند سوئد و فنلاند برای استفاده از انرژی‌هایی که از منابع پایدار حاصل می‌شوند یارانه یا معافیت مالیاتی اعطاء می‌گردد.

چین نیز بر مصرف انرژی مالیات وضع کرده است و به شرکت‌هایی که مصرف انرژی خود را کاهش دهند و یا از منابع انرژی پایدار استفاده کنند، تخفیفات مالیات بر درآمد شرکت اعطاء می‌کند.

آمریکا و ژاپن بر افزایش سرمایه‌گذاری در منابع انرژی‌های نو متمرکز شده‌اند. آمریکا برای گسترش استفاده از انرژی باد، خورشیدی، زیست‌توده^۱ و تکنولوژی برپایه انرژی‌های تجدیدپذیر،

1. Biomass

اعتبار مالیاتی اعطاء نموده است. دولت اوپاما مشوق‌های اقتصادی را افزایش داده و ژاپن عوارض کالاها و خدماتی که از طریق کاهش مصرف انرژی منجر به ذخیره انرژی می‌شوند را حذف کرده است.

در برخی از ایالت‌های کانادا مانند کبک بر صنایع تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی همچون شرکت‌های معدنی مالیات کربن وضع شده و درآمد حاصل از آن صرف سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر گردیده است. همچنین، به عنوان مثال در بریتیش کلمبیا بر روی تمام کسب و کارها و اشخاصی که سوخت‌های فسیلی را برای تولید گرما و انرژی خریداری یا مصرف می‌کنند مالیات کربن وضع می‌شود و درآمد حاصل از این مالیات از طریق کاهش مالیات بر شرکت‌ها در بین کسب و کارها و اشخاص توزیع می‌شود.

در اغلب موارد از مالیات بر انرژی و برق به عنوان روشی در جهت محدود کردن مصرف حاصل از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌شود، اما این مالیات‌ها به عنوان عامل قوی و مؤثر جهت جایگزینی مصرف منابع با انتشار کربن کم به جای منابع با انتشار کربن بالا عمل ننموده است. علاوه بر این، در برخی از کشورها از جمله آلمان به منظور جلوگیری از ایجاد آثار منفی عوارض بر اقتصاد، عوارض پرداختی شرکت‌هایی که به فعالیت‌های انرژی بر (به ویژه در بخش خودروسازی) اشتغال دارند مسترد می‌گردد.

مالیات بر دفع زباله و مواد زاید

برخی از کشورها بر دفع زباله به ویژه آنهایی که به محیط‌زیست آسیب می‌رسانند مالیات وضع می‌کنند.

کشور چین بر دفع زباله‌های خانگی و تجاری و همزمان با آن بر دفع فاضلاب نیز مالیات وضع نموده است. شرکت‌هایی که پساب‌های خود را نگه داشته و پس از تصفیه مجدد مصرف نموده و به این طریق مصرف آب را کاهش داده‌اند از تخفیفات مالیات بر درآمد بهره‌مند می‌شوند. همچنین، کشور سوئد نیز بر زباله‌های تجاری و خانگی مالیات وضع نموده و این امر موجب کاهش میزان زباله‌های وارد شده به طبیعت و افزایش بازیافت شده است. فنلاند نیز تاکنون بصورت پی‌درپی پایه مالیات بر ظروف نوشابه را گسترش داده است (قوطی‌های فلزی و پلاستیکی) و ظروف قابل بازیافت را از مالیات معاف نموده است که این امر موجب کاهش زباله‌های غیر قابل بازیافت شده است. در نروژ عوارض خاصی بر تولیدات حاوی هیدروفلورین و پرفلورین کربن وضع شده است.

این مالیات فروش یخچال‌هایی که از مواد مخرب طبیعت تولید نشده‌اند را به میزان قابل توجهی افزایش داده و بنابراین معدوم نمودن آنها پس از اتمام دوره مصرفشان آسانتر شده است. در کانادا در ایالت‌هایی مانند اونتاریو و کبک از مالیات استفاده کرده‌اند تا هزینه حمل زباله را از دولت محلی به شرکت‌ها انتقال دهند. همچنین، کسب و کارهایی که تولیدات آلاینده به بازار مصرف عرضه می‌کنند، مشمول مالیات می‌شوند. درآمد حاصل از این مالیات در ایالت‌های مختلف سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار کانادا می‌باشد و سبب گردیده تا بنگاه‌ها دائماً در جستجوی راهی برای کاهش آثار منفی خود در محیط‌زیست و به تبع آن کاهش مالیات سبز در فرایند تولید خود باشند.

وضع مالیات بر مواد دفعی نسبت به مالیات بر مصرف انرژی در کاهش استفاده از محصولات مضر و مخرب محیط‌زیست مؤثرتر می‌باشد. این موضوع ممکن است ناشی از این باشد که اعمال مالیات بر زباله در مقایسه با جایگزینی مصرف محصولات با تکنولوژی کربن پایین، آسانتر است.

مالیات بر حمل و نقل

یکی دیگر از مالیات‌های محیط‌زیست که از سوی دولت‌ها پذیرفته شده است، مالیات بر خودروها با آلاینده‌گی بالا می‌باشد.

کشورهای آلمان و فنلاند مثال‌های خوبی از کشورهایی هستند که مستقیماً بر سطح انتشار آلودگی خودروها مالیات وضع کرده‌اند. همچنین، برخی از کشورها از جمله سوئد از طریق اعمال نرخ‌های عوارض کمتر بر سوخت‌هایی که آثار مخرب کمتری دارند بر رفتارهای مصرفی تأثیر گذاشته‌اند. ژاپن عوارض سوخت‌های پاک را حذف نموده و مالیات خودروها با آلاینده‌گی کم را کاهش داده است که در نتیجه آن استفاده از خودروها با آلودگی کمتر و سوخت ترکیبی (دوگانه سوز) به صورت قابل ملاحظه‌ای عمومیت یافته است.

در کشور نروژ عوارض سوخت‌های دیزلی همزمان با عوارض خودروهای دیزلی کاهش یافته است. این امر سبب افزایش استفاده از خودروهای دیزلی و کاهش استفاده از خودروهای بنزینی شده است. نروژ همچنین عوارض ویژه‌ای بر انتشار دی‌اکسید نیتروژن توسط کشتی‌ها، دیگ‌های بخار، توربین‌ها و غیره وضع نمود. وضع این مالیات‌ها موجب تغییر خطوط کشتیرانی به سمت کاهش انتشار دی‌اکسید نیتروژن گردید، اما موجب کاهش کشتی‌هایی که در بنادر نروژی تردد

می کردند نیز شد. همچنین مالیات وضع شده در فرودگاه چیپل^۱ هلند تعداد مسافرانی که از چیپل مسافرت می کردند را کاهش داد، اما تعداد مسافران بین هلند و بلژیک و نیز ترافیک هوایی بلژیک را افزایش داد که پیامد آن انتشار آلودگی بیشتر بود و بنابراین هدف وضع مالیات با شکست مواجه شد.

این دو مثال اخیر ثابت می کند که اگر مالیات‌ها با هدف تغییر رفتار مصرفی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای وضع می شوند، می بایست در طراحی و اجرای آنها دقت شود تا اطمینان حاصل گردد که هدف تغییر رفتاری با حداقل آثار منفی اقتصادی حاصل شود. همچنین، این امر به عملکرد سازگار و متحد بین دولت‌ها نیاز دارد تا از انتقال فعالیت به مناطق دیگر و عدم پرداخت مالیات اجتناب شود.

کشور دانمارک یکی از کشورهای پیشرو و موفق در اعمال مالیات زیست محیطی است. در سال ۲۰۰۷ درآمد حاصل از انواع مالیات سبز در دانمارک حدود ۸۲ میلیارد کرون دانمارک (۱۱ میلیارد یورو) بوده که حدود ۴/۵ درصد GDP را تشکیل داده است که در نتیجه آن شرکت‌ها و مصرف کنندگان در دانمارک توجه بسیاری به محیط زیست معطوف داشته‌اند.

طرح‌های تجاری

در این روش می توان به ازای دریافت مجوز به بنگاه‌های یک منطقه اجازه داد که تا حد مشخصی آلودگی ایجاد نمایند و انتشار آلودگی نباید از سطح تعیین شده تجاوز کند. در حقیقت بنگاه پیش از آلوده نمودن محیط زیست هزینه آن را پرداخت نموده است. میزان هزینه پرداختی هر واحد آلودگی با توجه به میزان تأثیرات آلاینده بر محیط زیست، انسان‌های در معرض آلودگی، کیفیت آب و هوا، مدت زمان ماندگاری آلاینده در محیط و عوامل دیگر تعیین می شود. در این روش امکان مبادله حق آلودگی بین بنگاه‌های یک منطقه نیز وجود دارد. از این روش می توان برای محدود کردن انتشار آلودگی بویژه محدود کردن انتشار کربن استفاده کرد. طرح تجاری کربن از طریق مزایده مجوز انتشار کربن مجاز، منجر به افزایش درآمد دولت‌ها می شود. حجم مجاز انتشار کربن به عنوان یک ملاک، قیمت کربن را در مقابل آثار زیست محیطی آن مشخص می کند.

1. Schipol

طرح تجاری انتشار اتحادیه اروپا (EU ETS)^۱ بزرگترین طرح مجوز قابل معامله در دنیا می‌باشد. این طرح در اول ژانویه ۲۰۰۵ آغاز شد و تقریباً برای ۱۱۵۰۰ نهاد در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا به اجرا گذاشته شد. این سیستم نقش اصلی را در تعهد اروپا برای مقابله با تغییرات آب و هوایی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به کمتر از ۳۰ درصد سطوح سال ۱۹۹۰ ایفا می‌کند.^۲ این طرح حدود ۴۵ درصد کل انتشار CO₂ اتحادیه اروپا را شامل می‌شود. در ابتدا EU ETS ارتباط قیمت مجوزها را با تعداد مجوزهای صادر شده، قیمت نسبی سوخت، تغییرات آب و هوا و غیره آزمون کرد و رابطه منفی قیمت کربن را با این متغیرها مشاهده نمود. بررسی فاز اول (۲۰۰۷-۲۰۰۵) نشان می‌دهد که با اجرای طرح تنها یک کاهش کوچک در سطح انتشار معمول بنگاه‌ها ایجاد شده است، اما به نظر می‌رسد فاز دوم (۲۰۱۲-۲۰۰۸) با کنترل جدی حجم انتشار مجاز گازهای گلخانه‌ای به صورت بهتری اجرا گردد.

دولت اوپاما طی مبارزات انتخاباتی خود خواستار اجرای طرح تجاری شد که در آن تمام مجوزهای انتشار کربن می‌بایست توسط دولت آمریکا به مزایده گذاشته شوند و تخمین زده شده است که این طرح بیش از ۶۴۵ میلیارد دلار طی ۱۰ سال افزایش درآمد ایجاد می‌کند. بسیاری از شرکت‌های آمریکایی پیش از این به صورت مستقیم و یا از طریق شرکت‌های وابسته خود در EU ETS مشارکت داشته‌اند و در حال حاضر چندین طرح در سطح ایالتی در آمریکا به صورت ابتکاری در حال گسترش و یا در جریان است. بنابراین، شرکت‌های آمریکایی مزایای مشارکت در سیستم تجاری را در مقابل مالیات کربن (همراه با سایر معیارهای سیاسی) ارزیابی و اثر قیمت‌گذاری کربن را بر تجارت بین‌المللی و رقابت تحلیل می‌نمایند. علاوه بر این، که در برجسته‌ترین مورد مشاهده شده است که مدیر عامل شرکت اکسون^۳ خواستار وضع مالیات کربن به عنوان یک روش عادلانه برای محدود کردن انتشار گازهای گلخانه‌ای نسبت به پوشش کلی سیستم تجاری مجوز آلودگی شده است.

1. EU Emissions Trading Scheme

۲. این سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای در پروتکل کیوتو تعیین شده است.

3. Exxon

قوانین و مقررات

در حالت کلی وضع قوانین و مقررات این امکان را به دولت‌ها می‌دهد تا فعالیت‌های آلاینده محیط‌زیست را محدود و یا ممنوع کنند و در مقابل، فعالیت‌هایی که منجر به کاهش آلودگی می‌شوند را تشویق نمایند. برای محدود کردن فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست می‌توان شاخص‌ها و استانداردهایی را تعیین نمود و برای اشخاص یا بنگاه‌هایی که این شاخص‌ها را رعایت نکنند جرائمی در نظر گرفت. بدیهی است اگر شاخص‌های تنظیمی و استانداردها بصورت جدی اعمال نشوند فاقد کارایی لازم خواهند بود. بهر حال قوانین و مقررات باید به عنوان ابزاری در اختیار دولت بخشی از وظیفه حفاظت محیط‌زیست را بر عهده گیرند. به طور مثال، بر اساس قوانین و مقررات مصوب در برخی از کشورهای در حال توسعه همچون هند، رواندا، بوتان و بنگلادش ضوابطی اجرا شده است که بر اساس آن استفاده از کیسه‌های پلاستیکی ممنوع شده است. در این راستا لازم به ذکر است برای استفاده از کیسه‌های پلاستیکی در مناطق مشخصی از هند، ۷ سال زندان یا تا ۱۰۰ هزار روپیه (۲۰۰۰ دلار) جریمه در نظر گرفته شده است و کارخانه‌هایی که کیسه پلاستیکی تولید می‌کنند، تعطیل می‌شوند. کارشناسان محیط‌زیست عنوان می‌کنند در دهلی‌نو پایتخت هندوستان روزانه ۱۰ میلیون کیسه پلاستیکی مصرف می‌شود.

همچنین در آلمان قانون سهمیه سوخت‌های زیستی سال ۲۰۰۶ مقرر می‌کند که تمام سوخت‌های فسیلی بنزینی و دیزلی باید شامل افزودنی‌هایی از سوخت‌های زیستی باشد. واضح است که قوانین و مقررات برای محدودیت انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش زباله‌ها مؤثر است، اما اجرای آنها جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای پرهزینه هستند و دولت‌ها برای انجام آن بایستی ملاحظات تجارت بین‌المللی و رقابت را نیز در نظر بگیرند.

توافقات اختیاری

وقتی دولت‌ها به دنبال راهی جهت دستیابی به اهداف پروتکل کیوتو می‌باشند، توافقات اختیاری بین دولت‌ها و بنگاه‌ها به عنوان راهی جهت کاهش انتشار CO₂ به ویژه در بخش صنعت جلب توجه می‌کند. توافقات اختیاری به عنوان راه‌حل مطلوب جهت دستیابی به اهداف (برخلاف مالیات‌ها و مقررات) اثر کمتری بر رقابت بین‌المللی دارند. بهر حال همان‌طور که از عنوان توافقات پیداست، اختیاری بوده و دارای چارچوب قانونی ضعیف هستند که در برخی موارد می‌توان در کارایی آنها تردید داشت. برخی از توافقات اختیاری استفاده شده در اروپا به شرح ذیل می‌باشد:

در کشورهای هلند و فرانسه استفاده از توافقات اختیاری برای افزایش کارایی انرژی در بخش صنعت افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. در کشور دانمارک صنایع انرژی بر می‌توانند با آژانس انرژی دانمارک^۱ وارد مذاکرات توافقی شوند و در مقابل تخفیفات و مشوق‌های مالیاتی دریافت کنند. با امضای توافقنامه شرکت‌ها متعهد به کاهش مصرف انرژی می‌شوند، سیستم مدیریت انرژی نصب می‌کنند و بطور کامل از لحاظ مصرف انرژی مورد بازرسی قرار می‌گیرند. توافقات اختیاری می‌تواند شرایط برنده-برنده^۲ را برای دولت و بنگاه‌ها ایجاد نماید، اما اجرای دقیق آنها مستلزم آمادگی کامل و وجود منابع کافی از لحاظ زمان و سرمایه می‌باشد. انتظارات متقابل دولت و بنگاه می‌بایست به صورت شفاف بیان شود، در این رابطه اطلاع‌رسانی کافی ضروری بوده و کوتاهی در انجام تعهدات نیز با جریمه همراه می‌باشد.

واکنش به سیاست‌ها

در گزارش PWC^۳ (در دوازدهمین مطالعه جهانی سالانه مدیران ارشد اجرایی) بیش از ۱۱۰۰ مدیر ارشد اجرایی از سراسر دنیا خواستار بیان دیدگاه‌های خود در خصوص پیامدهای وضع مالیات و مقررات و نتایج حاصل از اجرای آن بر چشم‌اندازهای کسب و کار جهانی شدند. این مدیران نشان دادند که درک ضعفی از جهت‌دهی دولت‌ها در پیامدهای تغییرات آب و هوایی دارند و اذعان دارند که تنش ایجادشده بین سیستم مالیات ملی و مدل‌های کسب و کار جهانی یک مشکل شایع است. بنگاه‌ها معتقدند دولت‌ها با استفاده از ملاحظات سیاسی ناشی از تغییرات آب و هوایی از مالیات سبز جهت افزایش درآمد خود استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد این بنگاه‌ها هنگامی از مالیات سبز حمایت می‌کنند که درآمد آن صرف رسیدن به اهداف زیست محیطی شود. فعالان اقتصادی خواستار چارچوب سیاستی پایدار، منسجم و کارایی هستند که امکان سرمایه‌گذاری بلندمدت را برای آنان فراهم کند.

در بررسی دیگری که توسط PWC در انگلستان انجام شد مشخص گردید که قوانین و مقررات مهم‌ترین عامل جهت ایجاد انگیزه برای تغییر رویه بنگاه‌ها به منظور کاهش آثار زیست محیطی آنان

-
1. Danish Energy Agency
 2. Win-Win
 3. Price Waterhouse Cooper

به شمار می‌رود. از ۱۵۰ شرکت مورد بررسی فقط ۴۴ درصد آنها اظهار کردند که مشوق‌های مالیاتی مؤثر بوده و در مقابل ۸۹ درصد قوانین و مقررات را مؤثر دانسته‌اند.

در یک بررسی مشابه انجام شده توسط PWC در کشور سوئد از ۲۰۰ مدیر عامل، مدیر امور مالی و مدیر مالیاتی در شرکت‌های صنعتی و انرژی خواسته شد تا دیدگاه‌های خود را در خصوص مالیات سبز در سوئد بیان کنند. ۴۹ درصد شرکت‌کنندگان معتقدند که مالیات کربن می‌تواند یک اقدام مؤثر در کاهش انتشار کربن باشد، در مقابل ۱۳ درصد نیز معتقدند که وضع مالیات سبز ابزار مناسبی نیست.

در کشور کانادا حرکت به سمت مالیات سبز به عنوان تغییر از نظام فعلی مالیاتی تلقی نمی‌شود بلکه مالیات و هزینه‌های اضافه‌ای هستند که بر بنگاه‌ها و اشخاص تحمیل می‌شوند. به طور معمول مقاومت اولیه‌ای به دلیل وضع مالیات اضافی در بنگاه‌ها وجود دارد با این حال نتایج آراء بیانگر افزایش موافقت طی زمان است و این امر ناشی از آموزش‌های ارائه‌شده به مصرف‌کنندگان درباره اهمیت محیط‌زیست و اطلاع‌رسانی در این خصوص است که درآمد حاصل از مالیات سبز صرف دستیابی به اهداف زیست‌محیطی می‌شود.

همچنین، در کشور نروژ موضوع معرفی یک مالیات جدید برای حمایت از محیط‌زیست به عنوان ضرورت اجتناب ناپذیر پذیرفته شده است و این امر بیانگر آن است که دولت‌ها می‌بایست تغییراتی را در راستای بهبود شرایط آب و هوایی انجام دهند.

نتیجه‌گیری

مشوق‌های مالیاتی و قوانین و مقررات همگی می‌بایست نقش خود را به عنوان بخشی از راه‌حل حفظ محیط‌زیست ایفاء نمایند. بدون شک اقدامات دولت‌ها در جایگاه خود منجر به تغییر رفتار و حفاظت بیشتر از محیط‌زیست شده است، اما صرف انجام این اصلاحات و افزایش نرخ مالیات منجر به حفظ محیط‌زیست و نجات زمین نخواهد شد.

باید توجه داشت که برخی دولت‌ها که به اجرای جهانی اصلاحات ملحق نشده و به صورت مستقل عمل می‌کنند ممکن است شرایط مالیاتی و رقابت‌های بین‌المللی را ایجاد کنند (مانند سفرهای دریایی کشتی‌های نروژی و مالیات فرودگاه چیپل در هلند در مثال‌های فوق) که در راستای دستیابی به هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نباشد.

مجموعه‌ای کامل و شفاف از اصول و توافقات بین‌المللی مورد نیاز است تا تمام دولت‌ها به آن متعهد شده و عمل نمایند، اما به این معنا نیست که تمام دولت‌ها در یک سطح یکسان مالیات وضع کنند و قوانین و مقررات کاملاً سازگار با یکدیگر را اجرا کنند بلکه یک توافق کلی در سطح بین‌المللی ضروری است و این توافق به دولت‌ها این فرصت را می‌دهد تا تعهدات پیمان کیوتو را گسترش دهند و یک استراتژی شفاف تدوین کنند تا اهداف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در بلندمدت حاصل شود.

همچنین، دولت‌ها علاوه بر رعایت توافقات جهانی در خصوص تغییرات آب و هوایی و محیط‌زیستی می‌بایست درآمد ملی خود را نیز حفظ نمایند. در نتیجه می‌بایست سیاست‌ها و استراتژی‌های مناسب را در راستای توافقات جهانی و متناسب با ساختار ملی خود انتخاب کنند. علاوه بر این، اجرای اصلاحات و سیاست‌ها مستلزم همکاری و مساعدت صاحبان کسب و کار با دولت می‌باشد. آنها می‌بایست درک صحیح و اطلاع کاملی از سیاست‌های دولت‌ها داشته باشند.